

# اوکراین ناندانی اروپاست یا آمریکا؟

اوکراین آخرین کشوری است که خود را از زیر آوار خرابه‌های کمونیزم بیرون می‌کشد اما با این همه می‌توان امیدوار بود این کشور به قدرتی در اروپا بدل شود.

در همان سالی که اتحاد شوروی فرو پاشید بانک جهانی گزارشی منتشر کرد که در آن تصریح شده بود اوکراین استعداد آن را دارد که تبدیل به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان شود. تا دوازده ماه پیش، نویسنده گزارش مذکور، هر که بود، بی‌تردید از بابت این پیش‌بینی از خجالت مرخ می‌شد؛ زیرا کشور آرمانش در زیر فشار خردکننده چرخ دنده‌های تورم لگام گسیخته در حال له شدن بود؛ پارلمان تازه کار کشور در تبول کمونیست‌های سابق قرار داشت و روند اصلاحات هم یک کمدهی تمام عیار بود. از سوی دیگر به پول رایج کشور بحق لقب «کوپن» داده شده بود و از آن در میان حیرت همگان برای تولید کاغذ توالت استفاده می‌شد. گزارشی که از سازمان سیا آمریکا به بیرون درز کرده بود، حکایت از بروز قریب‌الوقوع یک جنگ داخلی شبه یوگسلاوی سابق داشت و همین مجله [اکنونیست] با کلماتی یأس‌آمیز و دیدگامی سرشار از ناامیدی نوشت: در سرود ملی اوکراین باید گفته شود که اوکراین هنوز نمرده است، اما امروز، تحلیل‌های بانک جهانی تقریباً نوید بخش است.

در یکی از رویدادهای نسبتاً بی‌سابقه، اوکراین قیمت‌ها را از مهار دولت خارج کرد و تجارت و نرخ برابری ارزها را بر عهده بازار گذاشت و تثبیت ارزش پول داخلی، کشور را شایسته دریافت وام از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کرد. تا پایان بهار آینده، دو نهاد مذکور ۳ میلیارد دلار به اوکراین سرازیر می‌کنند. البته هنوز راه توسعه و رشد اوکراین هموار نیست و سنگلاخ‌هایی در مسیر حرکت این کشور قرار دارد، با این حال کشور نسبت به گذشته در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت.

چهره‌ای که این تحولات به او نسبت داده می‌شود لئونید کوچما است که در گذشته رئیس یک کارخانه موشک‌سازی بود و روسی زبان است. وی یکسال پیش با شعار «اصلاحات تدریجی و حسن روابط با روسیه» و با بهره‌مندی از حمایت وسیع استان‌های روسی زبان صنعتی شرق اوکراین به قدرت رسید و ملی‌گرایان اوکراینی را سخت آزاده خاطر کرد، زیرا این ملی‌گرایان فکر می‌کردند باید فاتحه استقلال اوکراین را

بخوانند.

اما وی پس از آنکه به قدرت رسید و رسماً رئیس جمهور اوکراین شد، اصلاح‌گران جوان روشن بین را به کار گمارد. این اصلاح‌گران در زبان مردم اوکراین به مالچیکی (پسران کوچولو) معروفند. از این اصلاح‌گران در وزارت اقتصاد و دفتر ریاست جمهوری اوکراین فراوان می‌توان یافت. با روی‌کار آمدن این پسران کوچولو، قیمت مواد غذایی و انرژی و سوخت را بازار تعیین کرد و دیگر به کشاورزان و صنایع سوسپید پرداخت نشد.

با کمال شگفتی نورم ماهانه از ۲۲ درصد در ماه نوامبر گذشته به ۵ درصد در ماه مه رسید. نرخ برابری ارزها از فوریه کم و بیش ثابت مانده و شاخص رشد ناخالص ملی دوباره رو به افزایش گذارده است. آمارهای رسمی کشور راهنمای خوبی نیستند زیرا در این آمارها ارقام مربوط به فعالیت‌های بازار سیاه که یک سوم یا نیمی از کل داد و ستد اقتصادی کشور را در برمی‌گیرد، گنجانده نمی‌شود. اما ویکتور پیژنیک، دانشور کارشناس بازار آزاد که برنامه‌های اصلاحات را راهبری می‌کند می‌گوید: میانگین دستمزد در هر ماه ۴۵ دلار شده است که هر چند بسیار بخور نمیر است، اما سه برابر بیشتر از ماه ژانویه می‌باشد.

برای آنکه رشد آغاز شود پرزیدنت کوچما مجبور شد پارلمانی را که در تبول کمونیست‌ها است به زانو درآورد. در مباحثی که راجع به مسائل قانون اساسی و پارلمانی در گرفت، کوچما تهدید کرد که از مردم اوکراین خواهد خواست تا در یک همه‌پرسی شرکت کنند و بین رئیس جمهور و پارلمان یکی را برگزینند. نتایج نظرسنجی‌های بی‌طرفانه نشان داد که رئیس جمهور ده برابر از پارلمان محبوب‌تر است. پارلمان جا زد و پسمانی را امضاء کرد که به موجب آن اختیارات پرزیدنت کوچما بیشتر شد.

## گسستن از روسیه

سیاست خارجی کوچما بیشتر باعث شگفتی شد، زیرا وی که خودش هم مانند کشورش سالها در آغوش روسیه قرار داشت، به سوی غرب سمت‌گیری کرده است. او از زمانی که به ریاست جمهوری اوکراین برگزیده شد دیدارهای متعددی از واشنگتن، بروکسل، بن، ژن، توکیو و برلین داشته است. در برلین بود که از کویتو، سازنده نقش برجسته داس و چکش بر روی

ساختمان پسرلمان اوکراین در شهر کیف (Kief) خواست که نقش را به شکل زیبایی ببوشاند و هنرمند مذکور مؤدبانه این درخواست را نپذیرفت.

جالب است که کوچما در این مدت فقط یکبار به مسکو سفر کرده که آنهم برای حضور در مراسم پنجاهمین سالگرد پایان جنگ دوم جهانی بوده است. بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا نیز با ۸۵۰ نفر ملازم بلند پایه و بازرگان در ماه می به کیف رفت و «رشادت و دوراندیشی و رهبری» کوچما را ستود. وزیر دفاعش - ویلیام پری - نیز تا کنون سه بار به اوکراین سفر کرده است.

در مقابل، روابط با روسیه رو به سردی می‌رود. تا این لحظه پیمان «دوستی و همکاری» دو کشور هنوز امضاء نشده است، زیرا توافق بر سر ناوگان دریای سیاه امکان‌پذیر نیست. هرچند این ناوگان در بندر سیاستوپول در حال پوسیدن است، اما دورنمای رسیدن به توافقی در افق مشهود نیست. حتی دیداری که کوچما با بوریس یلتسین، رئیس‌جمهور روسیه در شهر سوچی (Sochi) انجام داد نتوانست به ترمیم جراحات موجود در روابط دو کشور بیانجامد. هنگامی که پس از پایان دیدار در سوچی، یلتسین از آن مذاکرات به عنوان آغاز مشارکت راهبردی (strategic) نام برد، وزیر امور خارجه اوکراین - گندی اودونکو - با زهرخندی پرسید: مشارکت راهبردی کلماتی زیبا هستند، اما چه کسی می‌تواند معنی آنها را برایم واضح بیان کند؟

موضوع حیرت‌انگیز این است که اروپا در کانون توجه کوچما قرار ندارد، و انگار در نقطه کور دید او واقع است. هیچ رهبر بلند پایه اروپایی تاکنون از اوکراین دیدار نکرده و پشتیبانی اتحادیه اروپا از اصلاحات اوکراین هم چندان محسوس نیست. هنوز اعضای اتحادیه اروپا با هم کلنجار می‌روند که آیا به همسایگان شرقی خود کمک بکنند یا نه؟ گویا انفجار جهان اسلام در آنسوی مدیترانه حواس آنها را پرت کرده است.

مسئله چرنوبیل هم به توبه خود مزید بر علت‌های دیگر شده است: در ماه مه امسال اتحادیه اروپا وعده پرداخت ۲۶۶ میلیون دلار کمک مالی داد تا نیروگاه چرنوبیل بسته شود، اوکراین در مقابل قول داد که تا سال ۲۰۰۰ دو راکتور چرنوبیل را (که هنوز هم فعال است) کاملاً تعطیل کند، اما در عوض تقاضای چهار میلیارد دلار وام کرد!!

قرار است از بخشی از این چهار میلیارد دلار برای ساخت روکش جدید بتونی در اطراف راکتوری که در

۱۹۸۶ تخریب شد استفاده شود و بخش دیگری برای احداث یک نیروگاه گازی جدید اختصاص یابد؛ البته اگر اتحادیه اروپا این پول هنگفت را بپردازد!

به نظر اتحادیه اروپا نیروگاههای غیرهسته‌ای موجود در اوکراین زیر ظرفیت موجود خود فعال هستند و با توجه به گرانی انرژی در این کشور و کاهش مصرف، به نیروگاه جدیدی، که آنهم از نوع هسته‌ای، نیازی نیست. فن سالاران اروپائی می‌گویند که تا کتی که مذاکره اوکراینی‌ها بسیار خام است و اصلاً انعطاف ندارند. هنگامی که وزیر خزانه‌داری انگلیس (کنث کلارک) در ماه مه از کیف دیدار کرد، شنید که پرزیدنت کوچما از کوتاهی اروپا برای کمک مالی به اوکراین گله‌مند است. آمریکا کوشیده است رابطه انگلیس و اوکراین را بهبود بخشد اما هنوز موفق نشده است.

### ۲۰۰ بانک عجیب و غریب

چالش اصلی کوچما در زمینه اقتصاد است. برنامه خصوصی‌سازی وسیع که در بهار آغاز شد هنوز روی غلطک نیفتاده است. دولت اسیدوار بود که تا پایان سال حدود هشت هزار شرکت بزرگ دولتی را به بخش خصوصی بفروشد اما تا کنون کمتر از ۲۰۰ شرکت و بنگاه اقتصادی فروخته شده است. وانگهی، پارلمان اوکراین نیز سیاه بلند بالایی از ۶۱۰۰ بنگاه اقتصادی دولتی تهیه کرده است که دولت نباید آنها را خصوصی اعلام کند.

در میان این شرکتها و بنگاهها، چند کارخانه تولید نسان و شیرینی و نیز صنایع نظامی و مخابراتی دیده می‌شوند.

حتی وقتی بنیاد املاک دولتی بر فروش شرکتی اصرار می‌ورزد، مدیران شرکت و فن سالاران محلی قیمت دارائی‌های ثابت شرکت را چندان دست بالا می‌گیرند که کسی رغبت خریدن نکند.

علاوه بر اینها، سرمایه‌داران اوکراینی تعابیل چندانی به خرید این بنگاهها ندارند. بازار بورس کیف نیز جدی نیست و سهامداران در کنترل مدیران بنگاهها قرار دارند. امسال تابستان یکی از

مشکلات اصلی پرزیدنت کوچما به اجرا درآوردن قانون ورشکستگی در این کشور است؛ زیرا اکنون هزاران کارخانه اوکراینی ضرر می‌دهند و با ساعات کار کمتر از سابق کار می‌کنند اما ورشکسته اعلام نمی‌شوند. دوست بانک عجیب و غریب اوکراین آماده پذیرش ضربه تیشه پرزیدنت کوچما به ریشه خود هستند. بانک مرکزی اوکراین از آغاز سال جاری مسیحی در نهایت آرامش به تخلیه پس‌انداز عظیم بانک پرداخته است. خصوصی‌سازی زمین و املاک یکی از دشواری‌های اوکراین و پرزیدنت کوچما است. بعضی‌ها

بر این باورند که اوکراین بالقوه سید نان اروپا است. (به اصطلاح ما نان دانی آنجا است). اما اگر سفری به مزارع اشتراکی و حومه شهرهای اوکراین بکنیم خواهیم دید که به قرن گذشته سفر کرده‌ایم.

در کیف مغازه‌ها و کافه‌های مدرن امروزی فراوان است، اما با نیم ساعت رانندگی به خارج از شهر، و به جاده‌های خاکی و کثیفی می‌رسید که در اطرافش کلبه‌های دو اتاقه ردیف هستند و آب آشامیدنی مردم از شیر آبهای کنار جاده یا چاههای خانگی تأمین می‌شود. از تلفن، اداره پست و مغازه هم خبری نیست. در جاده‌ها هم بیشتر خر و اسب دیده می‌شود تا اتومبیل. یا آن که اوکراین غنی‌ترین زمین‌های کشاورزی جهان را دارد، روستائیان هم مانند کشاورزان جهان سوم ارتزاق



می‌کنند، مبادلات پایاپای انجام می‌دهند و زندگی محقرانه‌ای دارند.

پرزیدنت کوچما می‌داند که دگرگونی را از کجا باید آغاز کند؛ او به پارلمان گفته است مزارع خصوصی بیش از مزارع اشتراکی بهره‌دهی دارند. او می‌افزاید با آنکه کمتر از ده درصد زمین‌های کشاورزی در اختیار بخش خصوصی است اما نیمی از محصول کشاورزی کشور از همین مزارع خصوصی بدست می‌آید.

برای آنکه خصوصی‌سازی زمین و مزارع عملی شود نباید انحصار کسومنیستها در شبکه توزیع و

عمل آوری مواد غذایی ملغی شود؛ زیرا کسومنیستها، از جمله سخنگوی کسومنیست پارلمان اوکراین، خصوصی‌سازی مزارع را جرم تلقی می‌کنند.

### اگر کوچما نلغزد...

جهان خارج چقدر می‌تواند به اوکراین کمک کند؟. رمان شپک، وزیر اقتصاد می‌گوید که اوکراین برای بازسازی اقتصاد خود به چهل میلیارد دلار نیازمند است. اگر قرار باشد این مقدار کمک از خارج برسد باید روند اصلاحات شتاب بیشتری بگیرد. سرمایه‌گذاری خارجی در حال رشد است، در سه ماه اول سال جاری مسیحی ۱۳۳ میلیون دلار بود، در حالی که در تمام سال گذشته از ۲۰۰ میلیون دلار فراتر نرفت. اما حتی این مقدار هم در مقایسه با سرمایه‌گذاری خارجی در مجارستان و جمهوری چک کم است.

شرکت‌های خارجی گله می‌کنند که قوانین و بخشنامه‌ها در اوکراین هر ماه تغییر می‌کنند، حتی هر روز یک بخشنامه جدید تجاری صادر می‌شود، شرکت‌های خارجی چند نوع دفتر حسابداری دارند؛ یکی برای مقامهای اداره دارائی، یکی برای سرمایه‌گذاران خارجی و یکی برای خود شرکت.

سرمایه‌گذاران خارجی باید هر هفته چند بار با مدیران خود در داخل اوکراین تماس بگیرند و دست آخر هم اطلاعات ناکافی دریافت دارند.

رشوه‌خواری هم که عموماً می‌کند. اگر قرار باشد خط تلفن شرکتی در کیف سریع وصل شود دادن ۲۰۰ تا ۷۰۰ دلار رشوه برای راضی کردن مأمور اداره مخابرات لازم است. اختلاس کردن هم از حوادث روزمره و عادی کشور است. یفین زویاهیلسکی، نخست‌وزیر سابق اوکراین که از ماه نوامبر به این سو ناپدید شده متهم است حدود ده میلیون دلار از پول دولت را از طریق صادرات غیرقانونی نفت به جیب زده است. معاون رئیس پارلمان نیز پس از برملا شدن رسوایش در مورد واردات غله به کشور استعفا داد. اما این همه، آن دسته از سرمایه‌داران غربی که قبلاً تجربه سرمایه‌گذاری و تجارت در روسیه را داشته‌اند، در اوکراین چندان تعجب نمی‌کنند و کار خود را پیش می‌برند.

در مقایسه با سال گذشته، امسال وضعیت اقتصادی و افسق آن بهتر و روشن‌تر است و موفقیت پرزیدنت کوچما به اراده سیاسی و محبوبیت او بستگی دارد. رئیس جمهور اخیراً در مورد اصلاحات سست شده است. در ۲۸ ژوئن در برنامه‌هایش از «ارتباطات عمیق» سخن گفت و تصریح کرد که هدف صندوق بین‌المللی پول برای کاهش تورم و رساندن آن به یک تا دو درصد

در ماه تا پایان سال جاری مسیحی، برآورده نخواهد شد. وضعیت یزنیک به عنوان معمار اصلاحات نیز متزلزل است.

ویلیام میلر، سفیر آمریکا در کیف می‌گوید که اگر کوچما خود را نازد و محکم بایستد، ۹۰ درصد از برنامه اصلاحات انجام خواهد شد. به نظر او خوشبختانه رئیس‌جمهور هنوز در میان توده مردم محبوبیت دارد و نخست‌وزیر فعلی، یوهن مارچوک تنها رقیب اوست، ولی با اصلاحات اقتصادی مخالفتی ندارد. وی در نطقی که به انگلیس فصیح در کنفرانس سرمایه‌گذاری لندن (معمولاً زبان انگلیسی کارمندان سرویس امنیتی بسیار خوب است) ایراد کرد خود را از پیروان دو آتشه آدام اسمیت و اقتصاد بازار آزاد نام برد.

بقول یکی از تحلیل‌گران اقتصادی که در مسائل اقتصادی اوکراین کارشناس برجسته‌ای است، بسیاری از دولتمردان فعلی اوکراین می‌خواهند کشور موفق‌تری را راهبری کنند و روند اصلاحات به پیش برود زیرا همگی آنها ثروتمند هستند و می‌خواهند ثروتمند بمانند. شاید برگ برنده‌ی پرزیدنت کوچما، ویژگی خود اوکراین باشد. کشور دارای کاستی‌های فراوانی است. مثلاً اصلاً هویت ملی محسوس نیست. حتی در کیف حال و هوای ویژه شهرستانها حاکم است؛ اهالی اوکراین اصلاً دید سیاسی نسبت به مصالح ملی خود ندارند.

در میان کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی (به استثنای روسیه سفید)، اوکراین بیشترین قرابت فرهنگی و تاریخی را با روسیه دارد. هر دو کشور مسیحی ارتودکس هستند، زبان اوکراینی بسیار شبیه روسی است و اکثر تحصیل‌کردگان اوکراینی به هر دو زبان مسلط هستند، در استانهای شرقی اوکراین اقوام روسی زندگی می‌کنند و تنها در استانهای مرکزی و پایتخت نژادی مخلوط از روس و اوکراینی ساکنند. نبود خط فاصل بین دو نژاد روس و اوکراین موجب می‌شود تا تنش‌های قومی همانند لیبوانی، استونی و قزاقستان بروز نکنند.

### اما نگاهی نگران به شرق...

اگر پرزیدنت کوچما به اصلاحات ادامه دهد و مهار پارلمان را نیز در اختیار داشته باشد، این کشور از خطر تنش داخلی در امان خواهد ماند. اما خطر واقعی از جانب روسیه است. اکنون روابط دو کشور هر چند شکراب است، اما هنوز مخاصمه‌آمیز نیست. حکومت روسیه بی‌اعتنا به جاذبه در اختیار داشتن کریمه به عنوان بخشی از روسیه، همواره تکرار کرده است که، مسئله خود مختاری کریمه یک مسئله داخلی اوکراین است. [برای آگاهی خوانندگان یادآوری می‌شود پس از فروپاشی اتحاد شوروی گروهی از ساکنین بومی شبه جزیره کریمه که در دوران استالین به مناطق مختلف روسیه کوچانده شده بودند به این منطقه بازگشتند و

اکنون تقاضای تشکیل یک حکومت خودمختار را دارند.]

اختلافات بر سر تصاحب ناوگان دریای سیاه ادامه دارد، اما هر دو کشور خوب می‌دانند که ناوگان مذکور یک موزه عتیقه‌جات دریایی بیشتر نیست. سال گذشته مسیحی حکومت‌های روسیه و اوکراین توافق کردند که با کمک مالی آمریکا کلاهک‌های هسته‌ای متعلق به شوروی سابق را نابود سازند. در ماه مارس روسیه تقبل کرد که ۲/۵ میلیارد دلار قرض از سابق مانده بابت صدور گاز طبیعی به اوکراین را ببخشد.

اما همه بدل و بخشش‌ها و بزرگواری‌های روسیه به نتیجه انتخابات پارلمان در ماه دسامبر و انتخابات ریاست جمهوری روسیه در تابستان آینده بستگی دارد. اگر دولتی مخاصمه جو در مسکو به قدرت برسد، به احتمال قوی تانک‌های روسیه به کیف خواهند آمد، همانطور که به گروزی در چین آمدند. اما شاید یک حکومت روسی ملی‌گرای افراطی بخواهد به نحوی ظریفتر استقلال اوکراین را فروپاشی کند، که در این صورت این حکومت نگاه مهربانتری به ملی‌گرایان کریمه خواهد انداخت.

پس پرزیدنت کوچما باید به اوضاع کریمه هر چه زودتر سر و سامان بدهد. هم اکنون مذاکراتی در جریان است تا قانون اساسی جدیدی برای کریمه تدوین گردد. روس‌های مسقیم کریمه که سه چهارم جمعیت آنرا تشکیل می‌دهند می‌خواهند دارای دو ملیت روسی و اوکراینی بطور هم‌زمان باشند، اما رئیس‌جمهوری خاص خود را انتخاب کنند. از سوی دیگر حکومت اوکراین می‌خواهد کریمه خود مختاری محدودی داشته باشد و تمهید بدهد به فکر جدایی کامل نیفتد. اگر تا پیش از انتخابات روسیه توافق بین دولت اوکراین و ملی‌گرایان کریمه برقرار نگردد، امکان سازش از بین خواهد رفت. اما اگر توافق حاصل گردد، اقتصاد رو به رشد اوکراین کار خود را خواهد کرد و اختلافات ترمیم خواهد شد.

به قول یک دیپلمات غربی، در آنصورت احساس تعلق داشتن به روسیه از بین نخواهد رفت اما در یک موقعیت بهتر اقتصادی، اهالی ملی‌گرای کریمه دست به

اسلحه نخواهند برد.

در دوازده ماه آینده کشتی اوکراین در گردابه‌های سیاسی یا در هم خواهد شکست و یا از خطر خواهد رهد.

با اینحال برای آنکه درکی از میزان اعتماد بنفش طبقه متوسط اوکراین داشته باشیم خوب است پای صحبت الکساندر تاچنکو، جوان سی‌ساله صاحب شرکت کوچک تولید تلویزیون بنشینیم که با زبانی نیمه روسی نیمه اوکراینی، و انگلیسی دست و پا شکسته اما رو به پیشرفت می‌گوید، در چند ماه گذشته مردم اوکراین برای اولین بار در عمرشان احساس تعلق به یک کشور داشتن را تجربه کردند و دیگر خود را عضو یک جمهوری وابسته تصور نمی‌کنند.

او بیش از گذشته به آینده اوکراین امیدوار است و تا زمانی که این احساس امید زنده است اوکراین خواهد ماند.

ماخذ: اکونومیست (۲۲ جولای ۱۹۹۵)  
یوگودان از: سرویس ترجمه، گزارش،



## قابل توجه شرکتها

### و کارخانجات صنایع چوبی

ویژدهانه منابع طبیعی ایران  
به زودی منتشر می‌شود.

جهت کسب اطلاعات بیشتر

با تلفن ۰۳-۷۵۲۸۱۲۱

یا فاکس ۷۵۳۶۱۳۳

تماس حاصل نمایید.